

پیرامون اجلاس وسیع

اخیرا فراخوانی با امضاء ۵ جریان سیاسی افغانی در اروپا منتشر گردیده است که ضمن آن نیروهای ملی، مترقی و دموکرات افغانی در اروپا به یک اجلاس وسیع دعوت شده‌اند که طی آن اتحادی میان این نیروها برقرار گردد.

صرفنظر از سوابق سیاسی فعالین این ۵ جریان سیاسی، که در جای خود ضرورتا باید مورد بررسی قرار گیرد، موضعی که در این فراخوان از سوی فعالین این جریانات اتخاذ گردیده نیز، خود قابل‌بحث می‌باشد. موضعی که قبلا مورد توافق این ۵ جریان سیاسی قرار گرفته و "نیروهای ملی، مترقی و دموکرات افغانی در اروپا" نیز با شرکت در این اجلاس، این مواضع را مورد تأیید قرار خواهند داد.

فراخوان مذکور با این عبارت آغاز شده است:

کشور عزیز ما افغانستان، بعد از حوادث و اتفاقات سال‌های گذشته، هنوز هم در بحران جنگ ویران‌گر و بی‌ثباتی قرار دارد؛ که علی‌رغم حضور نظامی نیروهای چندین ملیتی و به‌ویژه ناتو و آمریکا و سرازیر شدن کمک‌های وسیع بین‌المللی در عرصه‌های مختلف، اوضاع سیاسی نظامی به شکل نامطلوب آن انکشاف می‌یابد. اگر حوادث به گونه‌ای که همین اکنون است ادامه یابد، از احتمال به دور نیست که وضعیت کشور و منطقه بحرانی‌تر و متشنج‌تر گردد. در پی به زیر کشیدن امارات قرون وسطائی طالبان انتظار می‌رفت که به کمک جامعه‌ی جهانی یک نظام وسیع‌البنیاد و کارآ در کابل شکل بگیرد که مشارکت همه‌ی شهروندان افغانستان را در امر سیاست‌گذاری اداری کشور تأمین نماید، صلح و ثبات را برای جامعه‌ی بلاکشیدی ما به ارمغان بیاورد و بازسازی و نوسازی میهن ویران شده‌ی ما آغاز گردد.

این ۵ جریان سیاسی، ضمن انتشار این فراخوان، صریحا ادعاهای دروغین امپریالیسم جهانی را در مورد اشغال افغانستان و سرکوب مردم محروم و ستم‌دیده‌ی افغانستان، مورد تأیید قرار داده‌اند.

در سرتاسر تاریخ پیدایش امپریالیسم، ایجاد دولت آمریکا و تاسیس سازمان "ناتو"، هیچ‌گاه دیده نشده است که این سه پدیده‌ی شوم و ضدانسانی، "صلح و ثبات را برای جامعه‌ی بلاکشیده‌ای به ارمغان" آورده باشند و یا برای "بازسازی" و "نوسازی" جامعه‌ای، گامی برداشته باشند. بلکه برعکس، همواره برای تجاوز به سائر کشورها و غارت ثروت این کشورها، ضمن برافروختن جنگ‌های خانمان‌سوز، مردم این کشورها را به شدیدترین وجهی مورد کشتار و سرکوب قرار داده‌اند. سرتاسر تاریخ این سه پدیده‌ی ضدبشری مملو از جنایت و آدم‌کشی است و به همین دلیل، ورود و حضور آنان در کشور مصیبت‌دیده‌ی افغانستان هم به هیچ‌وجه نمی‌توانست و نمی‌تواند پیام‌آور "صلح"، "ثبات"، "بازسازی" و "نوسازی" باشد.

تمامی این‌ها، یعنی "سرازیر شدن کمک‌های وسیع بین‌المللی در عرصه‌های مختلف"، "کمک جامعه‌ی جهانی"، "یک نظام وسیع‌البنیاد و کارآ"، "مشارکت همه‌ی شهروندان"، "صلح"، "ثبات"، "بازسازی" و "نوسازی"، تماما ادعاهای پوچ و بی‌اساس امپریالیست‌ها برای تجاوز به خاک افغانستان بود و امروز هم پس از گذشت نزدیک به ۷ سال، هیچ اثری از عمل به این ادعاها دیده نشده است. اما، افساء این توطئه‌ها و حيله‌ها و نیرنگ‌های امپریالیسم، از "وظائف مبرم نیروهای ملی، مترقی و دموکرات افغانی" بود، که انجام نشد.

تجاوز "نیروهای نظامی چندین ملیتی" به افغانستان در راستای تقویت و تحکیم منافع امپریالیست‌ها در منطقه صورت گرفت و از همان آغاز ورود نیروهای نظامی امپریالیستی به افغانستان نیز، کاملا مشخص بود که با حضور آنان، "اوضاع سیاسی و نظامی در افغانستان به شکل نامطلوب آن انکشاف خواهد یافت" اما چرا این جریان‌های فراخوان‌دهنده از همان ابتدا چشمان خود را بر این حقائق بستند و اکنون نیز به تأیید ادعاهای کاذب امپریالیست‌ها نشستند، سوالی است که باید توسط خود فراخوان‌دهندگان پاسخ داده شود.

در ادامه‌ی مطلب در فراخوان آمده است:

اما امروز بعد از گذشت هفت سال روشن است که فرصت‌ها و امکانات زیادی بنا بر ناکارآ بودن حاکمیت موجود به هدر رفت.

جریان‌ات فراخوان‌دهنده با آوردن این جمله، به‌یکباره آب‌تطهیر بر دستان خونین مزدوران امپریالیسم ریخته و امپریالیسم و ایادی‌اش را از تمام فجایعی که هم‌اکنون در افغانستان جاری است، مبرا ساخته‌اند و مسئولیت تمام این مصیبت‌ها را بر گردن "حاکمیت ناکارا" انداخته‌اند.

حاکمیت دست‌نشانده‌ای که در روز روشن، توسط امپریالیست‌ها تعیین گردید، توسط امپریالیست‌ها نصب گردید و تا همین امروز هم حافظ منافع امپریالیست‌ها است و توسط همین نیروهای نظامی امپریالیستی نیز حمایت می‌شود.

این حاکمیت دست‌نشانده و اربابان امپریالیست‌اش برای ایجاد "فرصت‌ها" و "امکانات" به افغانستان وارد نشده بودند که اکنون به خاطر "ناکارا" بودن حاکمیت، این "فرصت‌ها و امکانات" به هدر رفته باشند بلکه دقیقاً برای سلب "فرصت‌ها و امکانات" از خلق‌های محروم وارد افغانستان شدند و در پیش‌برد سیاست‌های ضدبشری‌شان نیز تاکنون موفق بوده‌اند.

همچنین در فراخوان آمده است که:

وضعیت امنیتی بدتر، تروریزم و سائر فعالیت‌های طالبان و القاعده توسعه یافته، فقر و بی‌کاری، ارتشاء و فساد، دزدی و غارت بی‌داد می‌کند، وحدت ملی، حاکمیت ملی و منافع ملی ما به مخاطره افتیده‌اند.

نیروهای فراخوان‌دهنده معتقدند که "امروز بعد از گذشت هفت سال، وحدت ملی، حاکمیت ملی و منافع ملی افغانستان به مخاطره افتیده است". آیا این نیروهای فراخوان‌دهنده واقعا معنای عبارات "وحدت ملی"، "حاکمیت ملی" و "منافع ملی" را نمی‌دانند و یا می‌دانند و به فریبکاری مشغول هستند! آیا در کشوری که سال‌هائی طولانی نیروهای تجاوزگر بیگانه حضور داشته باشند، "حاکمیت ملی" باقی می‌ماند که اکنون به مخاطره افتاده باشد؟!

چرا نیروهای فراخوان‌دهنده، در ذکر مصائب اجتماعی حاکم بر جامعه‌ی افغانستان، از ناامنی، تروریزم، طالبان، القاعده، فقر، بی‌کاری، ارتشاء، فساد، دزدی و غارت یاد می‌کنند، ولی به تولید، انتقال و فروش مواد مخدر که توسط همین مزدوران امپریالیست‌ها صورت می‌گیرد، اشاره‌ای نمی‌کنند؟ چرا نگران این امر نیستند که امپریالیست‌ها با گسیل نیروی نظامی خود، افغانستان را به اولین کشور تولیدکننده‌ی مواد مخدر در دنیا تبدیل کرده‌اند و با تولید، انتقال و فروش مواد مخدر، ثروت بی‌کرانی را از آن خود می‌سازند.

در ادامه‌ی مطلب آمده است:

با گذشت زمان، نیروهای ائتلاف بین‌المللی، در رأس ایالات متحده‌ی امریکا، در افغانستان به چالش‌های جدید و بن‌بست نزدیک می‌گردند، در یک جمله، بحران در تمام ابعاد زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی گسترده‌تر و عمیق‌تر شده‌اند و در نتیجه، موج نارضایتی و جنبش دادخواهانه‌ی اجتماعی و ملی مردم رو به افزایش‌اند که این حالت و وظائف میرم را در مقابل نیروهای ملی، مترقی و دموکرات قرار می‌دهد.

از این عبارت چنین برمی‌آید که چون "نیروهای ائتلاف بین‌المللی، در رأس ایالات متحده‌ی امریکا، در افغانستان به چالش‌های جدید و بن‌بست نزدیک گشته‌اند"، نیروهای فراخوان‌دهنده نگران شده و به یاد "وظائف میرم" شان افتاده‌اند تا امپریالیست‌ها را از این "بن‌بست" نجات دهند! در حالی که "وظائف میرم نیروهای ملی، مترقی و دموکرات" جلوگیری از ورود نیروهای بیگانه به کشور و اکنون نیز مبارزه برای بیرون‌راندن آن‌ها می‌باشد.

به بن‌بست رسیدن امپریالیست‌ها، همواره آغاز روند پیروزی مبارزات توده‌هاست و "وظائف میرم"، باید خیلی پیش از این‌ها در مقابل نیروهای ملی، مترقی و دموکرات قرار گرفته باشد، یعنی هنگامی که خاک افغانستان مورد تجاوز مزدوران امپریالیسم قرار گرفت.

به طور خلاصه، تحلیلی که این جریانات فراخوان‌دهنده از اوضاع و شرایط امروز افغانستان ارائه می‌دهند و مواضعی که بر این اساس اتخاذ کرده و ارائه می‌دهند، به هیچ‌وجه مبنای علمی نداشته و به همین خاطر به اهداف مورد ادعای‌شان، یعنی احیاء "وحدت ملی"، نجات "منافع ملی" و برقراری "حاکمیت ملی" در افغانستان منتهی نخواهد شد.

بر اساس تمام دست‌آوردهای علم مبارزه‌ی طبقاتی، در هر جامعه‌ای، "وحدت ملی" بر اساس "منافع ملی" ایجاد می‌گردد و در هر کشوری که مورد تجاوز نیروهای بیگانه قرار گرفته باشد، مهم‌ترین "منفعت ملی"، بیرون راندن نیروهای بیگانه می‌باشد.

در افغانستان، در کشور تحت‌سلطه‌ی امپریالیسم، نیز تنها یک راه برای تامین "وحدت ملی" وجود دارد و تنها یک انگیزه وجود دارد که ملیت‌های مختلف در افغانستان بر اساس آن متحد شده و به "وحدت ملی" نائل گردند و آن، سازمان‌دهی و گسترش مبارزه از سوی تمام ملیت‌ها و علیه سلطه‌ی امپریالیستی، علیه نیروهای نظامی امپریالیسم و ایادی داخلی‌شان است. در راستای همین مبارزه علیه نیروهای بیگانه است که "نیروهای ملی، مترقی و دموکرات" سازمان یافته و پس از بیرون راندن بیگانگان، "حاکمیت ملی" را برقرار می‌سازند و به پاسداری از "منافع ملی" و "وحدت ملی" می‌پردازند.

بهمن آرام

آوریل ۲۰۰۸

isaned@hotmail.com

www.19bahman.net